امروز بامولانا

یکخبر|یکنگاه

من نقشم و نقشبندم آن دلدار است می پنداری که گفت من گفتار است

در حرفه پزشکی جاافتاده بود، از این که در طرح تحول سلامت دستشان از خیلی چیزها کوتاه

مون سرست ناراحت هســتند. این عده کسانی هستند که زیرمیزی و رومیزیهایی که خارج از روال قانونی بیمارستانهاردوبدل میشد، را حق

کرفهای خود می دانند. دکترهاشمی با تاکید بر این که این سـخنان مانع از آن نیست که جامعه پزشکی به نقد خود از درون نپردازد، خاطرنشان

کرد: ما بخشی از این جامعه هستیم و باید خود را نقد کنیم. مامسئول جان مردم هستیم و ضرورت نقد کنیم. مامسئول جان مردم هستیم و ضرورت دار د با خودمان صادق باشیم و اشکالات و نواقص کارمان رابدانیم و در صدد رفع آنها بر آییم. جامعه پزشکی بایداز درون خود رانقد کند که کجابوده، پخامی رود و در کدام نقطه از مسیر ایستاده







گرگهاهمازخودانتقادمیکنند



انسان هابهطور عمومي وتجربه كراهستنديه إين معنا که تاموضوعی را خودشان تجربه نکنند، نمی توانند به آن اعتقاد پیدا کننـد. در میان این تجربیات گاهی خطا و اشتباه هم صورت می گیرد که هر چندممکن است اهمیت داشته باشد امامهم تر از آن، این است که بتوانيم باروندى انتقادى نسبت به خودمان ، تجربه هاى خطاواشتباهات وفتارى مان را، اصلاح كنيم. اين شيوه به خودانتقادی معروف است. از این منظر، خودانتقادی . باید اُولویت هر انســـان حتی دیگر موجُودات زنده در زندگی باشــد! خود انتقادی باید مانند یک زنجیر به مُوجودات زنده وصُل باشــد من بهطور عام نمی دانم که حیوانات از خودشان انتقاد می کنند یا نه!اما یقین دارم که یک گلــه گرگ، خود انتقــادی می کنند. به ر ۱۰ .. این مسأله اطمینان کامل دارم زیرا شاهد بودم وقتی آنها در حملـهای ناکام بودند، لحظاتــی بعداز حمله نافر جام نخست، دور یکدیگر جمع شدند و زمانی را به رفتارهایی گذراندند که تصور این بود به گونهای با هم

رُده و در کشــور ما نیز این تغییرات ظهور و بروز دارد. در میانه این تغییرات موضوعات خاصی بر ما تحمیل شده و رخدادهایی رنگ واقع به خود گرفته

و از آن جمله، اُستانه تحمل ما ایرانیان به شدت پایین آمده است. از سـوی دیگر به آن خاطر که ۰٬۰۰۰ خودمان تولیدکننده تکنولوژی نیستیم، در ابتدا

خودمان بودید استنده نخدوری نیستیم، در ابتدا این تولیدات وارد کشورمان می شود و تازه بعداز آن فرهنگش به آهستگی وارد ایران می شود، متاسفانه ما با وجود استفاده از خودروهای آخرین سیستیم، از ابتدایی ترین آموزههای فرهنگی برای استفاده

از خودرو بی بهره هستیم این در حالی است که فرهنگ استفاده از یک کالا از بدیهیات بکار گیری ر ن کالا و آن تکنولوژی است. به نوعی میشود

ے گفت، قَانون گریسزی و بیاحترامسی بسه قوانین راهنمایی و رانندگی از اصلی ترین عواملی است که

گارشناسان پلیس راهور در مورد سوانح رانندگی موثر میدانند.سالانه ۱۷ هزار نفر از هموطنان مادر جادههای کشور از بین می روند و ۳ برابر این تعداد بر اثر حوادث رانندگی معلول می شوند. فجایع دلخراشــی که همه ما شاهد آن هستیم

(خاصه در مناسبتهای مهم که حادهها شیلوغ ر ---- در -----بر --- به خاطر عجله غیرمنطقــی برخی از میشــوند) به خاطر عجله غیرمنطقــی برخی از اسیان ما اتفاق می افتد. فرض کنید یک انسیان ۲۰سیال عمر کند، او برای رسیدن به مقصد هر نوع تخلفی که لازم بداند انجام می دهد و به خاطر نیمساعت زودتر رسیدن جان خود و هموطنانش را به خطر می انسدازد. قانون گریسزی همین آدمها

علاوه بس آن که اندوخته مادی یک خانسواده را

سروبیرر، تا تماو عدمتای یک عصوانار. از بین می سرد، موجب از بین رفتین مهم ترین سرمایه خانواده (فرزندان) می شود. در این شرایط

مشورت می کنند. اما نکته جالب این مسأله بود که در حمله بعدی شیوه خودشان را تغییر دادند و موفق شدند بااین تغییر شیوه، شکار را صید کنند. باتوجه به تجربیاتم از حیات وحسش، در جمع حیواناتی که بهصورت دستهجمعی زندگی می کنند خودانتقادی . رزد ... یامشـورت به خوبی دیده می شـود. امــا نمی توان با صراحت کامل اعــلام کرد که حیوانات از خودشــان انتقادمی کنند. زیرابه این گونه رفتارهامی توان اعمال غریزی نام نهاد. اگر دنبال مترادف برای خودانتقادی باشيم، از نظر من بهترين مثال براى اين اقدام مي تواند ر دل یک کوه قرار دارد. طبیعی است این الماس در ر ن... نل کوه زیبایی خود رانشان نمی دهد. اماانسان هر چه که پایه سن می گذارد از سعی و خطا تجربه می آموزد. به خود نقد و خطاهایش را بر طرف می کند شـعور و ذهنش را با تجربه می آمیزد و کم کم به در جات والای عقلاتیت می رسید. اما موجودات همواره به راهنما احتیاج دارند. این راهنماهامی توانند انسان را در طول

مسور ندگانی کمک کنند. ۔ ۔ من هم از چرخــه دور نبودم و از افــرادی در طول

مســیر زندگیم کمک و راهنمایی خواستهام. یکی از آنهــا «قربانعلی» بوده دیگــری «افراســیاب» و «علی میامی او کسانی که از آنها بهرههای زیــادی بردهام این افراد کسانی بودند که در طول زندگی ام و سنین مختلف باعث شدند که تغییرات اساسی و محسوس در شــیوههای عملی و رفتارهایم بدهم و اصلاحاتی را در مقاطع مختلف زندگیم انجــام دهم. زمانی که ر ر کار راصورت می دادم، نمی دانستم که این امر نوعی خودانتقادی قلمداد می شود اما بعد فهمیدم که اصلاح روش ها و ترک کردن کار هایی که اشتباه بوده، بخشی از همین رفتار یا خود انتقادی محسوب می شود. اماز مانی که انسان به دهههای چهار مو پنجم می شود اما زمامی خه استان به دهمهای چهاره و پنجرم زندگی می رسد - خودانتقادی نقش مهم و موثری را در زندگی آش ایفامی کنند انسسان زمانی که به مرز ۲۳ تا ۲۰ سالگی می رسد، بخش عظیمی از عمرش را سپری کرده و می تواند بر گردد و به گذشته نگاهی بیندازد و ببیند مسیرهایی که تا این مقطع پشت سر بیسر رو ببیند مسیرهایی نه ۱۱ بن مقطع پشتسر گــنارده از چــه گذر گامهایــی عبور کــرده و با چه موضوعاتی مواجه بودهاست. الماســی که در اختیــار داریم، بعــداز زمانی کدر

مىشودوبەاصطُلاح خــُاكْروى آن مىگىرداين

دلیل نیز پافشاری بر رفتارهای غلطی است که ما موجودات بر حسب عاُدت، بر آن پافشاری داش و اَن رااصلاح نکردهایم، من اکنون در ۶۶ سالگی قرار دارم و تمام راههایی را که برای شها مثال زدم، طی کرده و به این جا رسیدهام در این سال ها انتقادی که ترده و په این جا رسیدهای در این سراها سفادی نه به خودم دارم و پیش از حـداز آن ناراحتی یادگیری زبان بودهاست، من بایداهمیت فراوانی به یادگیری زبان های خارجی مـی دادم واگر اینطور بود، تاکنون حداقل ۲ زبان خارجی زبان های اسپانیایی، فرانسوی و انگلیسی) را همزمان یاد می گرفتم. زمانی که شما زبان جدیدی را یاد می گیرید ناخودآگاه دریچهای به روی شما باز می شـود که تصور آن قبل از یادگیری مُمکن نیست. به همان میزان وُقتی که ۳ زبان را یاد بگیرید، ۳ دنیای متفاوت برای شما باز خواهد شد.اما

مىافتادم تازبان يادبگيرم.

متاسّفانه من نتوانستم این کار را به سرانجام برسانم و تکمیلش کنم. اکنون هم متاسفانه من با این گذشته کاری و کارنامه ای که در اختیار دارم، نمی توانم دری و دردست و سه استوا در این انگلیسی در یک کنفرانس بهخوبی ۲ ساعت به زبان انگلیسی در یک کنفرانس صحبت کنم، اگر در قدیم می توانستم زبان را به خوبی یادبگیرم و تکمیل کنم، دیگر در ۶۶ سالگی به این فکر

حفرههاي فراموشي

بايدخودمان رانقدكنيم

قادر مرلوی

آزادی شالوده نقد است در حــُوزه نقد ادبی مهای ساویهار درد تاریخی است. درد کاشــتن و درو نکــردن ــتن و ندیــدن. رد مسطور داشتیم اما ارسطویی نداشتیم که ایس قصههای منثور و داســتانهای منظــوم را ردهبندی وبه بوطیقا تبدیل

(O) A

من کوهم و قال من صدای یار است

چـون قفــل کــه در بانــک در آمــد ز کلید

سیدحسن هاشــمی وزیر بهداشــت، درمان و آمــوزش پزشــکی در اجلاس رؤســا، معاونان بهداشــت، درمان و توســعه مدیریــت و منابع

را دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور پیرامون مشکلات اجرایی طرح تحول سلامت گفت:

بخشی از نارضایتی ها در مورد طرح تحول سلامت از درون جامعه پزشکی است که جان سخن ما با آنهاست. او با بیان این که این گروه

سعی مه با بهاست. و در جامعه همیشه هم گویند وضع ما بدا ست و در جامعه پرشکی مشکل داریم، گفت: این آفرداد اطلاعات و آمارهای نادرستی را نیز در برخی از رسانه هااعلام کردند در حالی که ما می دانیم آنچه امروز شاهد آن هستیم دستاور در فتار آنها بوده است.

گویا بخشی از بدنه جامعه پزشکی کشورمان

خودانتقادي

ــیی حست قصههای طنزآمیز مولوی، داســتانهای منثور ســمک عیـــار، دارابنامه وــ داشتیم، اما نقد ادبی نداشتیم، کسی ظهور نکرد که این همه نبوغ و خلاقیت را صورتجندی کند وبرای داستان سرایی طرح ریز دو بوطیقابنویسد. داستان های هزار و یک شب، ادبیات داستانی غرب را در ربع آخر قرن بیســـــم تکان داد، فیلســوف،

يافتند (به تعويق انداختن معنا، به تعلیــق انداختــن موضوع، ایجاد ابهام، قصه در درون قصه - بینامتن، داستان یعنی نبرد بـرای زیســتن، پایان ناپذیری داستان و_)ولی ما، رمانسهای منظــوم و منشـور را بــه انتقاد جونده موشها ســپرده و هزار و بُنگ شُنِين النَّهُ حَفْر مُهايُ در سوسی بحسیده یوه ته تا طول تاریخ، آن گونه که شعر، نهنگ دریای تخیل

منتقـد ادبــی و رمان نویس با مطالعه هــزار و یک شــب، در

حوزه نظريههاى فلسفى وادبى به دریافتهای تازهای

بوده است، در حوزه نقد ادبی حتی در سطح دریا و خزه شناور نبوده ایم... فقدان نقد ادبی باعث آن ت که در عصر نقد تألیف به نقد مؤلف

درامتداد کمپین «نه به تصادف»

بياييدبه فرزندانمان رحم كنيم



خودروهای غیراستاندار د هم با قیمتهای گران به ک د. ف هنگ تا افیک نشانگ ف هنگ کلی یک جامعه ت. مُتاسـفاُنه وقتى هم با چُنين سانحه دردناكى مصُرفُ كننده فُروخته مي شــوند. من نام اين اقدام ر که جـان هموطنانمان را می گیرد مواجه می شـویم خشونت علیه انسان و طبیعت می نامج. اخیرا آقای به راحتی می گوییم خداونداین گونه خواسته است. دكترُ سريع القلم ٣٠ شَاخُصَ يك جامعه زنده را مطرح

سوال اینجاست که چرا در کشــور ژاپن میزان تصادفات بسیار کم اســت؟ چون قانون و فرهنگ احترام به قانون و احتــرام به حقوق دیگران در آن جامعه نهادینه شده است. در کشورهای پیشرفته . گر صندلی مخصـوص کودکان مورد اسـتفاده قراُر نگیرد، پلیس جرُیمههاُی بسـیاُر سـنگینی را در مواجهـه بـا متخلف اعمال می کنــد. در آن کشورها مادران اجازه ندارند فرزند را بغل بگیرند و در صندلی جلوبنشانند.البته در ایران ما هم تا حدودی استفاده از کمربند ایمنی فرهنگسازی شده اما برای رسیدن به جامعهای که تصادفات رانندگسی در اُن وجود ندارد همـت فراوانی لازم است. رعایت قانون و حقوق شهروندان را باید از خودمان شروع کنیم. یکی از مشکلات ریشهای موجود در کشور ما آن است که هر وقت در مورد موُضُوعی ُصحبتُ میشود در پاســُخ می گوینُد فرهنگش وجود ندارد. ســوال اینجاســت که این فرهنگ راچه کسی باید به وجود بیاورد؟ خودماً. ما باید از خودمان شروع کنیم. ما باید به خودمان و فرزندانمان متعهد باشيم. ماحق نداريم بزرگترين رر مایی کودکانمان (یعنی داشتن پدر و مادر) را سرمایه کودکانمان (یعنی داشتن پدر و مادر) را با بی قانونی از فرزندانمان بگیریم. ما حق نداریم با جان خودمان بازی کنیم. بی توجهی به فرهنگ، وضع را تا این حد بغرنج کرده است. در این بین وضع را تا این حد بغرنج کرده است. در این بین مکن است بخشی خانواده را جبران کرده اساد و مورد جال افتراده چیچ کاری از دست هیچ کس بر نمی آید فرزندان شهدا که برای یک امر ملی و حفاظت از آب و خاکشان رفتانده به شهادت رسیده اندار دانز طبایرید آنها حاضیا هستند نمام داشته هایشان را بدهند تا بتوانند یک لحظه پدرشان راببينندو أورابغل كنند ماحق نداریم جبران نایذیر ترین عنصر که همان عاطفه پدرومادریاست را به خاطر یک عجله غیرمنطقی پىروسىرى سەرب سىرىد سىدىدىدىد از فرزندانمان بگيرىم، بيايىد بـــه فرزندان خود

رحم كنيم.

نابساماني تبليغات شهري



